

"دبستان" و تحول فرهنگی



دکتر غلامعلی افروز

تربیت نوباوگان و نوجوانان سالم و صالح، متدین و متعهد، هوشمند و عالم، خلاق و نوآور؛ از جمله اهداف متعالی نظام تعلیم و تربیت کشور است. لذا هرگونه سستی و نارسایی در محقق شدن این هدفها، اساسی‌ترین زیانها و خسارتها را در دراز مدت، مستوجه رشد و تحول و توسعه اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی - صنعتی کشور می‌نماید. از این رو برنامه‌ریزی برای تحول بنیادین جامعه و توسعه پایدار، بدون توجه خاص به

مدارس به مثابه پل‌های ارتباطی بین خانه و اجتماع، همواره بیشترین نقش را در انتقال ارزشهای حاکم بر جامعه به خانواده‌ها عهده‌دار بوده‌اند.

مدارس همانند باغها و بوستانها، با پرورش شکوفه‌ها و نهالها، سرسبزی و خرمی و میوه‌ها و ثمرات پربرکتی را برای سلامت و رشد جامعه به ارمغان آورده‌اند.

کودک در یادگیری مطالب درسی، توسعه کتشفای شناختی، پرورش خلاقیت‌های ذهنی، اکتساب مهارت‌های اجتماعی، تمرین مسؤلیت‌پذیری فردی و گروهی، پذیرش معیارها و ارزشهای فرهنگی، توجه عمیق به رفتار الگوهای بزرگسال و همانندسازیهای پایدار.

دبستان اولین تجربه اجتماعی کودکان به شکل رسمی است که پس از خانواده، بیشترین نقش را در فرایند شکل‌گیری شخصیت آنان در ابعاد گوناگون برعهده دارد. همچنین پایه‌های اصلی تفکر علمی و خلاقیت ذهنی که با پرورش حس کنجکاوی و کاوشگری در کودکان نهاده می‌شود، در سالهای ارزشمند دبستان تقویت می‌گردد و به صورت کشف و نوآوری در دوران نوجوانی و جوانی تبلور و عینیت می‌یابد.

آموزش‌پذیری کودکان در دوران دبستان، حساس‌ترین و جدی‌ترین تحول شناختی - اجتماعی را در ایشان پدید می‌آورد. بدیهی است آن دسته از کودکان دبستانی که پیش از ورود به مدرسه، در دوران محبت‌پذیری^۱ خویش از عطوفت و مهر و محبت والدین برخوردار شده و کانون خانواده برای آنان منبع تأمین اساسی‌ترین نیازهای فطری و خوشایندترین لحظات زندگی بوده است، در سالهای مدرسه در همانندسازی با معلمان، آموزش‌پذیری و اکتسابهای آموزشی بسیار موفق هستند و چنانچه مدرسه در شرایط مطلوب آموزشی و پرورشی باشد، وجودشان مستعد هرگونه خلاقیت ذهنی و نوآوری فکری خواهد بود. چرا که جامعه امروز ما بیش از هر زمان دیگر نیازمند صاحبان ذهن‌های مبتکر و

رسالت خطیر مدارس در این مهم، امری منطقی و قابل حصول نیست. به همین دلیل امام راحل رضوان الله تعالی علیه فرمودند: "اگر بخواهیم جامعه را متحول کنیم، می‌بایست آموزش و پرورش متحول شود."^۱ به بیان دیگر ایجاد هرگونه تحول اساسی در نظام فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، مستلزم تحول جدی در نظام تعلیم و تربیت کشور است؛ و این حقیقتی است که مورد تأیید و تأکید همه انسانهای فهیم، صاحبان تفکر منطقی و اندیشه‌های برتر و کارگزاران بصیر و دوراندیش جوامع بشری است.

اما سخن این است که مبنای جهت تحول چگونه باید باشد، مناسبترین بستر دگرگونی کدام است و سرداران و پیشگامان این تحول چه کسانی باید باشند؟

بررسی مطالعات انجام شده درباره این امر مهم و تجارب به دست آمده از برنامه‌ها و فعالیت‌های انجام پذیرفته در بسیاری از کشورها بیانگر این حقیقت است که مقطع ابتدایی، مناسب‌ترین بستر، کودکان دبستانی، مطلوب‌ترین جمعیت و معلمان دوره ابتدایی، به منزله پیشتازان و سرداران عرصه‌های فرهنگی، مهمترین عوامل و نقش آفرینان اصلی این تحول اساسی هستند.

سنین دبستانی از بسیاری جهات، مهمترین و حساس‌ترین دوره از ادوار رشد و تکوین شخصیت انسان است. در این دوره از رشد که در حد فاصل آشفتگی دوره پیش‌دبستان و التهاب دوره نوجوانی قرار دارد، کودکان عموماً از آرامش نسبی برخوردار هستند. نامیدن این دوره از رشد، تحت عنوان "سنین دبستان" تأکیدی است بر قابلیت رشد محسوس ذهنی

خاص، به منزله دروازه‌های پیشرفت و تمدن و پایگاهها و سنگرهای مستحکم انقلاب اسلامی، می‌بایست نقطه عطف و مبنای آغازین هر نوع برنامه‌ریزی و تحول به شمار آیند.

در اینجا به‌عنوان نمونه، به‌برخی از اهداف اساسی، محورهای مهم و رسالت‌های خطیر دوره دبستان، مقطعی بایشتترین جمعیت دانش‌آموزی کشور (حدود ۱۰ میلیون نفر)، در ایجاد تحول بنیادین در جامعه اشاره می‌گردد.

الف) دبستان و پرورش توان تفکر علمی در کودکان

همان‌گونه که پیشتر بدان اشاره شد، دوره دبستان مناسب‌ترین فرصت برای تقویت کنشهای ذهنی و یادگیری مطالب درسی است. دبستان می‌تواند مطلوب‌ترین محیط و شرایط برای پرورش و هدایت حس کنجکاوی و کاوشگری و کشف روابط میان اجزا و عناصر پدیده‌ها و مجموعه‌ها باشد. چرا که همه کودکان با سرشتی کنجکاو آفریده شده‌اند و کنجکاوی خمیرمایه خلاقیت و بستر خداجویی است. تبلور کنجکاوی، این موهبت الهی، در حدود سه تا چهارسالگی در خانواده و در تعامل کودک با والدین و معاشران نزدیک صورت می‌پذیرد. اما در بسیاری از موارد اولیای کودک بنا به دلایل عدیده، از جمله عدم معرفت و شناخت لازم نسبت به این امر مهم و اشتغال ذهنی و ضعف در برقراری ارتباط مؤثر و مفید با کودک، نمی‌توانند به‌گونه‌ای که بایسته و شایسته است این حس پژوهشگری کودکانه را هدایت و بارور سازند. "علیت" یکی از اساسی‌ترین مفاهیم تفکر علمی است و نحوه آموزش علوم زیستی در این دوره، اثر قابل



نوآوری است که سر حلقه زنجیره علوم و فنون نو را در دست بگیرند و قله‌های رفیع صنعت و فن‌آوری برتر را مسخر خویش سازند. توجه به دبستان و سرمایه‌گذاری مادی و معنوی در این امر مهم، به دلایل متعدد، منطقی‌ترین روش برای نیل به بالاترین کفایت‌های فرهنگی و اجتماعی و بیشترین قابلیت‌های فنی و اقتصادی است.

مدارس به‌طور عام و دبستانها به‌طور

شرایطی وارد دبستان می‌شوند که به‌رغم تجارب ارزشمند زبان‌آموزی و یادگیری غنی گویشهای بومی و محلی و بهره‌مندی از رسانه‌های فراگیر و برنامه‌های سراسری صدا و سیما، قادر به تکلم روان و سلیس به زبان رسمی کشور نیستند، لذا این دبستان است و آن معلم فرزانه که می‌بایست با استفاده از کتابهای درسی و برنامه‌های مؤثر آموزشی و ایجاد فرصت‌های لازم برای تمرین و ممارست، به آموزش بهینه زبان فارسی و تقویت آن همت گمارد. چرا که زبان وسیله ارتباط و تبادل اطلاعات و تجربیات، تعامل بین افراد، ابلاغ پیام و انتقال ارزشها و پاسداری از فرهنگ و وحدت ملی است.

ج) دبستان و پیشگیری از ناهنجاریهای اخلاقی و انحرافات رفتاری دوره نوجوانی
 تردیدی نیست که بسیاری از مشکلات اخلاقی، ناهنجاریهای رفتاری و کژرویهایی اجتماعی درصد قابل‌اعتنایی از دانش‌آموزان، در دوره ارزشمند، اما پرتلاطم "نوجوانی"، ریشه در نظام تربیتی ایشان در دوره اولیه رشد، در کانون خانواده و سالهای حساس دبستان دارد.

اگر کارگزاران فرهنگی و مربیان پرورشی نقش‌چندانی در تعلیم و تربیت صحیح و فرایند شکل‌گیری شخصیت کودکان و ارضای نیازهای اساسی ایشان در دوره پیش‌دبستانی ندارند، این مسؤولیت به‌طور مضاعف در دوره دبستان بر دوش آنان سنگینی خواهد کرد. بنابراین هرگونه ضعف در برقراری ارتباط مفید، مؤثر و متقابل از طرف مربی و معلم با کودکان دبستانی و ناتوانی در حل تعارضات روانی و تقویت اعتماد

توجهی دارد و به کودکان فرصت می‌دهد که از طریق مشاهده و تجربه، چگونگی روابط علی را کشف نمایند و بر آن اساس به اندیشه و تفکر درباره روابط بین عناصر و اجزای پدیده‌های مختلف بپردازند. ارضای بهینه حس کنجکاوی کودکان که متضمن ابعاد شناختی و احساسی است، علاوه بر آنکه در چگونگی نگرش ایشان نسبت به پدیده‌های گوناگون و ترغیب و تشویق آنان به اندیشیدن و جست‌وجوگری و انجام فعالیت‌های ذهنی بیشترین تأثیر را دارد، در بهداشت روانی و سازش‌یافتگی رفتاری کودکان نیز فوق‌العاده مهم است. از این‌رو انتظار به حق آن است که این حس کنجکاوی در دبستان و با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف تقویت شود و با تشویق رفتار کنجکاوانه و پژوهشگرانه و نگرش علمی کودکان دبستانی، زمینه ظهور خلاقیت‌های ذهنی و نوآوریهای فکری آنان فراهم گردد.

در هر حال تقویت بیش‌علمی، پرورش تفکر منطقی و هدایت فعالیت‌های پژوهشگرانه کودکان دبستانی که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، از وظایف و رسالت‌های مهم اولین نهاد آموزش رسمی کشور، یعنی "دبستان" است.

ب) دبستان و تقویت و تحکیم زبان ملی
 از دیگر رسالت‌های مهم "دبستان"، پرورش مهارت‌های کلامی و تقویت زبان فارسی به‌عنوان شاخص‌ترین مظهر وحدت ملی و فرهنگی است. در سرزمین پهناور ایران اسلامی، شاهد پویایی و تداوم لهجه‌ها و گویشهای گوناگون در مناطق مختلف شهری و روستایی هستیم. از آنجا که درصد قابل توجهی از کودکان در

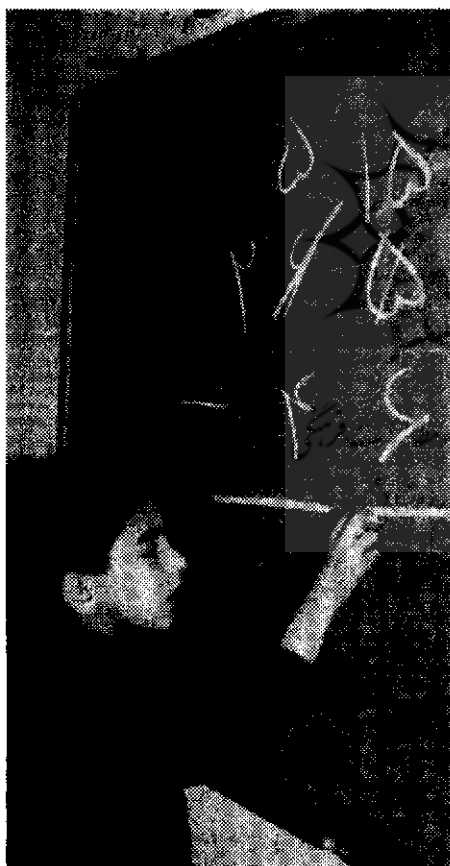
مادر بزرگ صورت می‌گیرد. البته بدیهی است که کودکان بیشتر آموختنی‌ها را از محبوب‌ترین الگوها فرا می‌گیرند و یادگیری مشاهده‌ای، مؤثرترین و پایدارترین یادگیری است.

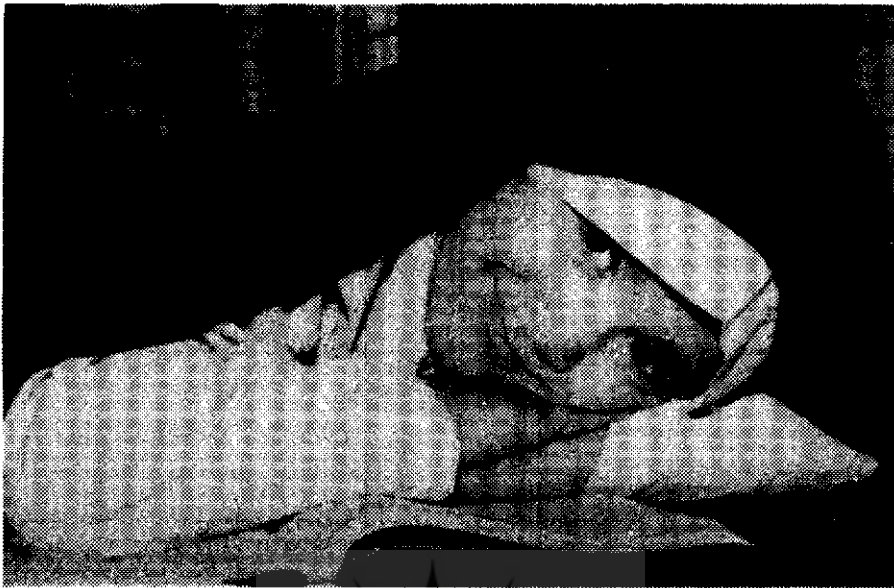
هر قدر الگوهای اولیه کودک نظیر پدر و مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ، با رفتار عاطفی و منطقی، محبت و صبوری و فراهم کردن زمینه تجارب خوشایند و دوست داشتنی برای او و ارضای نیازهای اساسی‌اش، در نزد کودک از محبوبیت و مطلوبیت بیشتری برخوردار باشند، فرایند هم‌اندیشی، همانندسازی و

به‌نفس و احساس خودارزشمندی در این کودکان، و سرانجام تنبیه و تحقیر و تهدید کودکان توسط خانه و مدرسه و ایجاد احساس ناامنی روانی در ایشان و کشاکشها و ناکامیهای مکرر می‌تواند زمینه مساعدی برای آسیب‌پذیری احتمالی در دوران نوجوانی باشد؛ دورانی که دانش‌آموزان از کودکی بریده، ولی هنوز به دنیای بزرگسالی نپیوسته‌اند.

بدین ترتیب توجه به نیازهای اساسی کودکان در دوران دبستان و تلاش برای حسن ارضای این نیازها، حل تعارضات روانی و عاطفی، ایجاد امنیت خاطر و نشاط درونی، تقویت احساس خودپنداری مثبت و اعتماد به‌نفس، تشویق تلاشها و قابلیت‌های آنان، برقراری ارتباط مؤثر و مستمر عاطفی و منطقی با ایشان، پرهیز از هرگونه تنبیه و تحقیر شخصیت کودکان و تدارک خدمات مفید مشاوره‌ای برای کودکان و خانواده‌های آنها، اساسی‌ترین روش برای پیشگیری از مشکلات رفتاری دانش‌آموزان در سنین نوجوانی خواهد بود.

د) دبستان و همانندسازی کودکان با الگوها
برای اغلب بچه‌های دبستانی، قبل از ورود به مدرسه، شخصیت و منش پدر و مادر، باورها و بینش‌ها و رفتارهای مردمی و اجتماعی ایشان، اصلی‌ترین سرمشق و مؤثرترین الگوی زندگی است. از همین رو کودکان با دنیایی از باورها و ارزشها، ذهنیت‌ها و پیش‌فرضها و گاهی تردیدها و نگرانیها وارد مدرسه و کلاس می‌شوند. غالب آموخته‌های کودکان پیش از ورود به مدرسه، برپایه مشاهده و تقلید رفتار والدین و اطرافیان بزرگسال مانند: پدر بزرگ و





خاطرات شیرین زندگی با ایشان وارد مدرسه می‌شوند، مشتاقانه در جست‌وجوی ویژگی‌های مطلوب پدر و مادر در سیمای معلم هستند و تلاش می‌کنند قوی‌ترین روابط صمیمانه را با الگوی جدید یعنی "معلم" برقرار نمایند و به نیکی از کلام و رفتارش بیاموزند.

اما آن دسته از کودکانی که با خاطرات و تجاربی ناخوشایند از تهدیدها، تنبیه‌ها، قهرها و کشاکشهای والدین و محرومیت‌های عاطفی ناشی از آن، گام به نهاد مدرسه می‌گذارند، عموماً با نگرانی و تردید به معلم، این الگوی رفتاری تازه، نگرسته، سعی می‌کنند با احتیاط به او نزدیک شوند. این قبیل کودکان، هرگاه بر این باور باشند که الگوی بزرگسال جدید، یعنی معلم کلاس، به دور از تنبیه و تحقیر، همواره با چهره‌ای متبسم و محبت و صبوری پذیرای وجود کودکان است، با همه وجود شیفته شخصیت معلم گردیده، با جان و دل با او همراه

الگوپذیری قویتر و پایدارتر می‌شود و میزان مقاومت کودک در برابر نگرشها، ارزشها و رفتارهای متفاوت و یا احیاناً مخالف بیشتر شده، امکان هرگونه تغییرپذیری سخت‌تر می‌نماید.

بعد از والدین، تجربه آشنایی با معلم و درک وجود او به مثابه الگویی مهم و مقتدر برای کودک، رخدادی فوق‌العاده حساس به‌شمار می‌آید.

اینک این دبستان و معلمان آن هستند که می‌بایست در شکل‌گیری شخصیت کودکان سهم باشند و نقش حیاتی خود را در شکوفا نمودن ابعاد گوناگون شخصیت آنان، تقویت انگیزه‌های تحصیلی و متبلور ساختن ارزشها و رفتارهای متعالی ایفا کنند.

بدون شک کودکانی که با همه وجود پدر و مادر خویش را همانند محبوب‌ترین الگوهای رفتاری دوست می‌دارند و با کوله‌باری از

و همگام می‌شوند. در چنین شرایطی کودکان عمیقاً با الگوی خود همانندسازی می‌کنند و بیشترین تأثیرپذیری و تمکین را از خود نشان می‌دهند.

آری با نگرشی دوباره به "دبستان"، این مقطع فوق‌العاده حساس و ارزشمند تحصیلی، در می‌یابیم که این دوره از آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان در کنار توسعه مهارت‌های شناختی، هموار نمودن بستر خلاقیت‌های ذهنی، پرورش حس زیبایی شناختی، تربیت بدنی و عاطفی و سازش یافتگی‌های اجتماعی کودکان، چه رسالت‌های خطیری در تقویت و پرورش ارزش‌ها و رفتارهای مطلوب خانه و مدرسه و یا حل تعارضها و دوگانگی‌های نظام ارزشی این دو نهاد و اصلاح و هدایت رفتارهای مطلوب کودکان بر عهده دارد.

پیش از این اشاره کردیم که در طول تاریخ و در تمامی جوامع، مدارس همواره عهده‌دار مسؤلیت انتقال ارزش‌های حاکم بر جامعه به کودکان و نوجوانان و بالطبع از طریق ایشان به درون خانواده‌ها بوده‌اند. توجه به هویت اجتماعی، تعلق به فرهنگ و ارزش‌های ملی، تقویت احساس وطن دوستی و خودباوری، تعظیم و تکریم ارزش‌های حاکم بر جامعه، آمادگی در پاسداری از آزادگی و استقلال و ارزش‌های انقلاب، از جمله مسائل مورد نظر در امر انتقال ارزش‌هاست؛ و ما امروز در ایران اسلامی، وارث انقلاب اسلامی و پدیدار شدن بزرگترین تحول فرهنگی و حاکمیت معیارهای قرآنی هستیم و بیشترین مسؤلیت را در پاسداری از والاترین ارزش‌ها بر عهده داریم.

زمانی که مهاجمان چراغ به دست و

سردمداران لجام گسیختگی‌های فرهنگی، به شیوه‌های گوناگون و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و با بهره‌گیری از ابزارهای روان‌شناختی؛ اندیشه‌ها و باورهای دینی، ارزش‌های اخلاقی و هویت ملی یاران و حامیان انقلاب اسلامی، بویژه کودکان و نوجوانان را هدف قرار داده و در جهت عظیم فرهنگی، ستیزی بی‌امان را با استفاده از همه امکانات ارتباطی، و سبیل ارتباط جمعی و شبکه‌های اطلاع‌رسانی، ماهواره‌ها، فیلم‌ها، کتاب‌ها، مجله‌ها، بازیهای الکترونیکی و کامپیوتری، عکسها و عروسکها و حتی برخی عناصر خودباخته وطنی آغاز نموده است، دیگر جای هیچ درنگی در هشیاری فرهنگی و تقویت احساس خودارزشمندی و اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان و خنثی کردن امیدهای دشمنان وجود ندارد.

واقع امر این است که حاکمیت جامعه اسلامی، بویژه کارگزاران فرهنگی؛ در حساس‌ترین دوره رشد کودکان در خانواده، یعنی در سنین پیش‌دبستانی، چندان نظارتی بر چگونگی شکل‌گیری باورها، بینش‌ها، رفتارها و در یک کلام ارکان شخصیت کودکان ندارند و تنها از طریق توصیه‌های عمومی، خطابه‌های همگانی، کلاسها و دوره‌های محدود آموزشی برای والدین، کتابها و نشریه‌های فرهنگی و تربیتی و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، آن هم به‌شرط همسو و پذیرا بودن خانواده‌ها، به هدایت والدین و مربیان می‌پردازند. بدیهی است که معدود مهدهای کودک و مراکز پیش‌دبستانی موجود نیز به دلایل گوناگون، از جمله فقر برنامه‌های مفید و مؤثر، نبود مربیان بصیر و لایق و توانا و عدم نظارت و ارزیابی مستمر آنها،

در مجموع نتوانسته و نمی تواند نقشی فعال در این باره ایفا کند.

در چنین شرایطی همه امیدها و انتظارات متوجه سلامت فکری، تعهد و دلسوزی و تقید والدین به ارزشهای اخلاقی و اسلامی و مساعد بودن کانون خانواده برای پرورش کودکان و نوباوگان صالح خواهد بود. و اگر چنین نباشد، که متأسفانه در بسیاری از مواقع این چنین نیست و همه ساله شاهد ورود خیل عظیم کودکانی هستیم که با باورها و بینشهای متفاوت و بعضاً متضاد وارد دبستان می شوند و محیط مدرسه و ارزشهای حاکم در آن را به گونه ای کاملاً بیگانه از فضای فکری و فرهنگی خانه می بینند. در اینجاست که تعارضات روانی و فکری به تدریج آشکار می گردد و در صورتی که به نحوی شایسته حل نشود، زمینه اضطراب و عصیانگری، احساس مدرسه گریزی و نابهنجاریهای رفتاری فراهم می گردد. لذا بایسته است که به خود آیم و با غور و تفحص در مورد وظایف و رسالتها، به مؤثرترین روشها در تعلیم و تربیت نسلی پویا، مولد و متعهد بیندیشیم.

بدین ترتیب زمانی که کودکان پیش دبستانی وارد نظام رسمی تعلیم و تربیت کشور، یعنی "مقطع دبستان" می شوند، از جهات گوناگون، از جمله تقویت و توسعه مهارتهای شناختی، پرورش خلاقیت های ذهنی، سلامت و بهداشت روانی، حل تعارضات و پیشگیری از انحرافات رفتاری در دوره پرتلاطم "نوجوانی" و بویژه انتقال ارزشهای حاکم بر جامعه و پرورش رفتارهای دینی، فضیلت های اخلاقی و تربیت و تقویت نگرشهای متعالی اجتماعی، بینش های بحق سیاسی و احساسات انقلابی،

می بایست مورد توجه فوق العاده قرار گیرند. به بیان دیگر اصلی ترین سنگر انقلاب اسلامی و شاهراه و گذرگاه اصلی پاسداری و استمرار ارزشهای حاکم بر جامعه اسلامی و قوی ترین حلقه اتصال خانواده ها با کارگزاران جامعه، پرجمعیت ترین مقطع آموزشی یعنی "دبستان" است.

اما چه کسی می تواند به این امر مهم جامعه عمل پیوشاند و نقش اصلی و حیاتی دبستانها را احیاء کرده، آغازگر تحول راستین در نظام آموزشی کشور باشد؟

چه کسی و با چه قابلیت هایی می تواند، کاستی های زندگی پیش دبستانی کودکان دبستانی را جبران کند و زمینه تعلیم و تربیت مطلوب و پرورش شخصیت متعالی آنان را فراهم آورد؟

چه کسی و با کدام خصوصیات اخلاقی و اجتماعی و تجارب علمی و حرفه ای می تواند سازش یافتگی های رفتاری و احساس مدرسه گریزی و آسیب پذیری های اجتماعی دوره "نوجوانی" را با حسن تربیت دبستانی پیشگیری کند؟

چه کسی و با کدام ویژگیهای شخصیتی، تحصیلات دانشگاهی، معرفت روان شناختی و بینش تربیتی می تواند حس کنجکاوی، توان کشف و نوآوری، انگیزه تلاش و رشد ذهنی، باورهای مذهبی، رفتارهای دینی، ارزشهای متعالی اخلاقی و فرهنگی، احساسات و تعهدات ملی و انقلابی کودکان دبستانی را تربیت و تقویت نماید؟

چه کسی می تواند با بهره گیری از حلقه های پویای ارتباط میان خانه و مدرسه، یعنی نوآموزان دبستانی، با والدین ایشان به رایزنی و شور نشسته، آنان را در جهت همدلی، همراهی و همگامی با



دبستانی باشد؟

چه کسی و با کدامین انگیزه و نیت متعالی، با صبوری و عطوفت و منطق و استواری شخصیت می تواند کنجکاوی بچه ها را بارور ساخته، خداجویی و دین باوری را در آنان متبلور نماید؟ چه کسی و با کدام عقیدت و بینش و با بهره مندی از چه روشی قادر خواهد بود مهارتهای اجتماعی، مسؤلیت پذیری، مثبت اندیشی، اعتماد به نفس و احساس خود ارزشمندی را در کودکان دبستانی تقویت کرده، ایشان را در برابر محرکهای آسیب رسان فرهنگی مصون نماید؟

برنامه ها و ارزشهای حاکم بر فضای معنوی مدرسه و وحدت نظر و عمل در تعلیم و تربیت مطلوب فرزندان آماده سازد؟

چه کسی می تواند با شناخت صحیح ویژگیهای زیستی، شناختی، عاطفی، روانی و اجتماعی کودکان دبستانی و پیش نیازهای اساسی ایشان، مؤثرترین روشهای تربیتی را در شکوفا کردن استعدادها و رشد متعالی شخصیت آنان اتخاذ نماید؟

چه کسی و با چه بینش و بصیرتی می تواند الگوی راستین و تمام عیار کودکان الگوپذیر

" و پرشورترین کودکان ، یعنی "دانش آموزان دبستانی" را برای ایفای تعهد و رسالت سترگ خود انتخاب کرده است .

و کلام آخر اینکه : عزت و سربلندی ، توانمندی و آقایی و استقلال و آزادگی جامعه اسلامی و دستیابی به برترین کفایتهای علمی و فنی و فتح قله‌های رفیع علوم و فنون ، سلامت و سعادت دنیوی و اخروی نوجوانان و جوانان کشور و مصونیت اخلاقی و فرهنگی ملت ، در گرو حضور فعال برگزیدگان دانش و معرفت ، صاحبان بالاترین درجات علمی و تمهیدات مکتبی در " دبستانها" و مفتخر بودن ایشان به معلمی و باغبانی شکوفه‌ها و نونهالان بوستان ایران اسلامی است .

پی نوشتها:

- ۱- مضمون کلام امام راحل (ره)
- ۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: الولد سید سبع سنین ، عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین - بچه‌ها در هفت سال اول محبت پذیر، در هفت سال دوم آموزش پذیر و در هفت سال سوم مشورت پذیرند. (نهج الفصاحه)
- ۳- کودکان دبستانی بیش از سایر دانش آموزان به رفتار الگوهای بزرگسال مثل پدر و مادر و معلم توجه دارند و مناسب‌ترین رابط تعامل ارزشها بین بزرگسالان خانه و اولیای مدرسه هستند.
- ۴- حضرت رسول (ص) فرمودند: اُتئی بعثت لأتمم مکارم الاخلاق - من برای تکمیل مکارم اخلاقی برگزیده شدم .

چه کسی می تواند با افتخار حضور در دبستان و برقراری ارتباط با کودکان، با تعلیم و تربیت پایدار و تأثیرگذاری در ساختار شخصیت آنان، آینده پربرکت کشور و شکوفایی انقلاب اسلامی را تضمین نماید؟

چه کسی می تواند در سنگرهای دبستان و در میان کودکان، این نونهالان بوستان انقلاب ، با عزمی آهنین و اراده‌ای خلیل ناپذیر، اندیشه‌ای متعالی و بینشی عمیق، با چهره‌ای گشاده و رفتار صبورانه، محبت‌آمیز، ایثارگرانه و عادلانه ، در نهایت خویشتن‌داری و با کنشها و واکنش‌های متعالی، معلم باشد و مشاور، مربی باشد و الگو، مصلح باشد و صالح، آمر باشد و عامل، مرجع علم باشد و منبع مهر، مدیر باشد و مدبّر، مؤمن باشد و متعهد، محبوب کودکان باشد و مطلوب اولیاء، امین خانه باشد و عزیز جامعه؟

و سرانجام آن کیست که همچون پیامبران عظام صلوات الله علیهم اجمعین ، رسالتش تکمیل مکارم اخلاق ۴، تعلیم و تربیت و هدایت انسانها به سوی فلاح و کمال است و در بین همه قشرها از بالاترین جایگاه و والاترین منزلت معنوی و اجتماعی برخوردار می‌باشد و در یک کلام ، آرزوی همه، همانند او شدن است ؟

آری ، او برگزیده‌ای از فرزندگان جامعه است که با درک عمیق از مسؤولیتها و رسالتها، خود را به زیور علم و اخلاق آراسته، با بهره‌مندی از بالاترین دانش تخصصی و اشراف بر اصول و مبانی روان‌شناختی و تعلیم و تربیت و مسلح شدن به مؤثرترین روشهای انتقال پیام، به دور از دغدغه‌های اقتصادی ، با آرامش و احساس با شکوه خود ارزشمندی و با یک دنیا تعهد پیامبرانه، جامعه مقدس " معلمی " برتن کرده، پربرکت‌ترین مکان ، یعنی " دبستان